

# زبدۂ دیوان خواجہ حافظ شیرازی

محمد علی فروغی

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

به اهتمام  
هاشم بناء پور



تهران، ۱۴۰۰



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سرشناسه : حافظ ، شمس الدین محمد ، - ۷۹۲ ق .

14th century ,Hafiz, Shamsoddin Muhammad

عنوان فرادادی : دیوان .برگزیده Divan .Selection

عنوان و نام پدیدآور : دیوان حافظ شیرازی / محمدعلی فروغی ؛

به اهتمام هاشم بنیادپور .

مشخصات نشر : تهران : مدیانه ، ۱۴۰۰ .

مشخصات ظاهری : بیست ، ۴۳۸ ص ۱۴۰ / ۵۲۳۰۵ م .

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۴۱-۶۹-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۸ ق .

موضوع : 14th century -- Persian poetry

شناسه افزوده : فروغی ، محمدعلی ، ۱۲۵۴ - ۱۳۲۱ .، مصحح

Foroughi, M.A .

شناسه افزوده : بنیادپور ، هاشم ، ۱۳۴۲ - ، گردآورنده

رده بندی کنگره : PIR۵۴۲۵

رده بندی دیویی : ۸۱/۳۲

شماره کتابشناسی ملی : ۷۶۶۱۸۴۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا



## زبدۀ دیوان خواجه حافظ شیرازی

محمدعلی فروغی

به اهتمام: هاشم بناءپور

طراح: حسن کریمزاده

ناشر: انتشارات مدید

قطع: رقعی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

چاپخانه: روز

تعداد کتب: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰.۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۷۴۴۱-۶۹-۷

انتشارات مدید

تهران، میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، خیابان مهدی‌زاده، پ.۳۴، واحد ۶

تلفن: ۰۹۱۲۵۱۱۱۹۶۰-۸۸۳۸۵۴۹۹

[www.madidpub.ir](http://www.madidpub.ir)

[madidpub@gmail.com](mailto:madidpub@gmail.com)

کلیه حقوق برای ناشر و مصحح محفوظ است. هرگونه چاپ، تکثیر یا باز نشر این اثر بدون مجوز مؤلف و ناشر، به هر شکل، اعم از افست، فتوکپی و انواع دیگر چاپ، بر روی هر حامل داده‌ای اعم از کاغذ، سی‌دی یا وسیله مشابه به صورت متن کامل یا خلاصه شده، تحت هر نام اعم از کتاب، در فضای واقعی یا مجازی و همچنین توزیع، فروش، عرضه یا ارسال اثری که بدون مجوز ناشر تولید شده، ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

---

فهرست

---

پیش درآمد ..... بیست و سه  
پیش‌گفتارهای محمدعلی فروغی ..... چهل و سه

غزلیات

الف

- ۳ ..... الا یا ایها الساقی اِدِرْ کَأْسًا و ناولِها
- ۴ ..... اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
- ۵ ..... دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را
- ۷ ..... دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما را
- ۸ ..... رونق عهد شباب است دگر بستان را
- ۹ ..... ساقی به نور باده برافروز جام ما
- ۱۰ ..... صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
- ۱۱ ..... صلاح کار کجا و من خراب کجا
- ۱۲ ..... صوفی بیا که آینه صاف است جام را

- آن بیک نامور که رسید از دیار دوست ..... ۱۳
- آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست ..... ۱۴
- اگرچه باده فرح بخش و باد گلپزاست ..... ۱۵
- اگرچه عرض هنر پیش یار بی ادبی ست ..... ۱۶
- المنة لله که در میکند باز است ..... ۱۷
- امروز شاه انجمن دلبران یکی ست ..... ۱۸
- ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست ..... ۱۹
- باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است ..... ۲۰
- به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست ..... ۲۱
- بحری ست راه عشق که هیچ کناره نیست ..... ۲۲
- برو ای زاهد و دعوت مکنم سوی بهشت ..... ۲۳
- برو به کار خود ای واعظ این چه فریاد است ..... ۲۴
- به کوی میکند هر سالکی که ره دانست ..... ۲۵
- بلبلی برگ گلی خوش رنگ در منقار داشت ..... ۲۶
- بنال بلبل اگر با منت سر یاری ست ..... ۲۷
- بیا که قصر آمل سخت سست بنیاد است ..... ۲۸
- جز آستان توام در جهان پناهی نیست ..... ۳۰
- چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست ..... ۳۱
- حاصل کارگه کون و مکان این همه نیست ..... ۳۳
- حسنه به اتفاق ملاحظ جهان گرفت ..... ۳۴
- خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست ..... ۳۶

- ۳۷..... خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است
- ۳۸..... خوشتر ز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست
- ۳۹..... خَمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت
- ۴۰..... خیال روی تو در هر طریق همزه ماست
- ۴۱..... درین زمانه رفیقی که خالی از خلل است
- ۴۲..... دل سراپردهٔ محبتِ اوست
- ۴۳..... رواقی منظرِ چشم من آشیانهٔ توست
- ۴۴..... روزگاری ست که سودای بتان دین من است
- ۴۵..... روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست
- ۴۶..... روضهٔ خلدبرین خلوت درویشان است
- ۴۸..... زان یار دلتوازم شُکری ست با شکایت
- ۵۰..... زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست
- ۵۲..... ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است
- ۵۳..... زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست
- ۵۴..... ساقی بیار باده که ماه صیام رفت
- ۵۵..... سر ارادت ما داستان حضرت دوست
- ۵۶..... ساقی بیا که یار زرخ پرده برگرفت
- ۵۷..... شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
- ۵۹..... صبحدم مرغ چمن با گل نوحاسته گفت
- ۶۰..... صحن بستان ذوق بخش و صحبت یاران خوش است
- ۶۱..... عارف از پرتو می راز نهانی دانست
- ۶۲..... غیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت

- ۶۳..... کس نیست که افتاده آن زلف دوتا نیست
- ۶۴..... کنون که بر کف گل جام باده صاف است
- ۶۵..... کنون که می دمد از بوستان نسیم بهشت
- ۶۶..... شکفته شد گلِ حَمرا و گشت بلبل مَسْت
- ۶۸..... مطلب طاعت و پیمان درست از من مست
- ۶۷..... ما را ز خیال تو چه پروای شراب است
- ۶۹..... منم که گوشه میخانه خانقاه من است

د

- ۷۰..... آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
- ۷۱..... آنکه رخسار تو را رنگ گل و نسرين داد
- ۷۲..... آن یار کزو خانه ما جای پری بود
- ۷۳..... اگر به باده مشکین دلم کشد شاید
- ۷۴..... اگر نه باده غم دل ز یاد ما بپزد
- ۷۵..... به آب روشن می عارفی طهارت کرد
- ۷۶..... بخت از دهان یار نشانم نمی دهد
- ۷۷..... بر سر آنم که گرز دست برآید
- ۷۸..... برید باد صبا دوشم آگهی آورد
- ۷۹..... از سر کوی تو هر کو به ملالت برود
- ۸۰..... بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه بان دارد
- ۸۱..... به سر جام جم آنکه نظر توانی کرد
- ۸۳..... به کوی میکده یارب سحر چه مشغله بود
- ۸۴..... بُود آیا که در میکده ها بگشایند